

# بهره‌ها در بستر تاریخ و اندیشه

(جماعتی از شیعیان اسماعیلیه طیبیه هند)\*

کمیل راجانی\*\*

## چکیده

شیعیان اسماعیلیه طیبیه هند، موسوم به بهره‌ها نزدیک‌ترین پیروان شیعی به شیعیان اثناعشریه هستند. آنان خودشان را وارثان میراث فرهنگی دولت فاطمیون می‌دانند. گرچه اسماعیلیه به طور عموم متهم به پیروی نکردن از ظاهر شریعت هستند ولی بهره‌ها از این اتهام مبرا می‌باشند.

در زمان قدیم اسماعیلیه طیبیه، گرچه پرچمدار دعوت تشیع اسماعیلی در سرتاسر جهان بودند ولی بهره‌ها این هدف را پی نگرفتند و عملاً یک جامعه بسته به نظر می‌آیند. آنان برای حفظ هویت خودشان زبان، لباس، آداب و رسوم مخصوص خودشان را پدید آوردند. نظام دینی و اقتصادی بی‌نظیری دارند و لذا علی‌رغم جمعیت کم، در جهان نمایان‌اند و اغلبشان در شبه قاره هند و کشورهای غربی ساکن‌اند.

واژه‌های کلیدی: بهره، شیعه، اسماعیلیه، هند، داعی، هفت ستون.

\* تاریخ دریافت: ۸۸/۶/۳۰

تاریخ تأیید: ۸۸/۷/۲۵

\*\* دانش آموخته کارشناسی ارشد ادیان و مذاهب، جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی امام خمینی علیه السلام قم.

بهره‌ها جماعتی از شیعیان اسماعیلیه طیبیه هند هستند. این گروه که در ابتدا از پیروان آیین هندو بودند، در سال ۴۸۰ ق/ ۱۰۸۷م و در زمان مستنصر، خلیفه فاطمی، توسط داعیان مصری و یمنی با گرایش شیعی اسماعیلی به دین اسلام می‌گروند. واژه بهره‌ها که در زبان گجراتی به معنای داد و ستد و تجارت کردن است، اشاره به حرفه و شغل آنها دارد و در هند قدیم اشتها هر گروهی به کار و شغلشان رایج بود.

عجیب است وقتی که بحث از تقریب بین مذاهب اسلامی پیش می‌آید، تقریب بین مذاهب تشیع به فراموشی سپرده می‌شود، حال آنکه تقریب بین این مذاهب به مراتب آسان‌تر و ثمربخش‌تر است. کمی تعداد پیروان این مذاهب، نباید باعث عدم توجه به این مذاهب شود.

این فرقه که متعلق به شاخه مستعلوی طیبی شیعه اسماعیلی است، در بحث‌های طولانی اسماعیلیه مخفی مانده تا حدی که تحقیقات مستقل به زبان فارسی صورت نگرفته، حال آنکه وارثان علوم و فرهنگ دولت مقتدر فاطمی اینان‌اند. کسانی که ادعای تدین دارند و این ادعا را در بخش‌های مختلف زندگانی خودشان به اثبات رسانده و در نهایت، کسانی که در رفتار عملی در هیچ دوره‌ای خودشان را از جامعه بزرگ اسلامی دور نکردند، این فرقه‌اند.

این مقاله در پنج بخش به تاریخ و اندیشه‌های بهره‌ها می‌پردازد. بخش نخست به مباحث مقدماتی همچون شکاف در میان مسلمانان بغداد از رحلت رسول الله، شکاف در میان گروه‌های شیعیان و تاریخ اسماعیلیه نخستین و دولت فاطمیون در مصر و صلیحیون در یمن می‌پردازد.

بخش دوم مشتمل بر پدید آمدن فرقه‌ای به نام بهره‌ها در سرزمین هند است که اکثر ساکنان آن، هندو مسلک بودند.

بخش سوم مختص به بررسی میراث علمی بهره‌هاست. راجع به متکلمان، فقها، حوزه‌های علمیه و اصلاح طلبان بهره‌ها در این فصل بحث خواهد شد.

بخش چهارم به اندیشه‌های اعتقادی و فقهی بهره‌ها پرداخته است. بخش پنجم مشتمل بر آیینها و شعائر بهره‌هاست و در پایان با یک خاتمه، مقاله به پایان خواهد رسید.

### بخش نخست: مباحث مقدماتی

#### نخستین شکاف میان مسلمانان

یکی از صفحات تاریک تاریخ اسلام، ماجرای شکاف میان جامعه بزرگ اسلامی، بعد از رحلت رسول الله ﷺ است. این شکاف به سبب مسئله جانشینی و ریاست بوده است. معظم

مسلمانان به خلافت ابوبکر قائل شدند و گفتند خلافت مسئله‌ای انتخابی است و نیاز به تنصیب از طرف باری تعالی ندارد. در مقابل، گروهی اندک به ولایت علی بن ابی‌طالب علیه السلام قائل شدند و گفتند این ولایت از طرف خداوند متعال به آن حضرت اعطا شده و اساساً خلافت انتصابی است، نه انتخابی. این دو نظریه باعث شد که بعدها دو فرقه به نام اهل سنت، طرفداران نظریه اولی و شیعه، طرفداران نظریه دومی پدید آید.

### شکاف میان شیعیان و ظهور فرق تشیع

شیعیان نیز در طول تاریخ درون خود شاهد فرقه‌هایی همچون کینسانیه، زیدیه، ناووسیه، فطحیه، سمطیه، موسویه و اسماعیلیه بوده‌اند. ما به لحاظ موضوع به اسماعیلیه می‌پردازیم. اسماعیلیه کسانی هستند که امامت اسماعیل بن جعفر را بعد از امامت امام صادق پذیرفتند. اسماعیلیه نامی است که ملل و نحل نویسان، به ویژه نوبختی و قمی، بر آنان نهاده‌اند، حال آنکه خودشان، برای نهضت خود، نام «الدعوة» یا «الدعوة الهادیة» را اطلاق می‌کردند. اکنون نیز بهره‌ها که مورد بحث ما هستند، از این واژه به خوبی استفاده می‌کنند و دعوتشان را «الدعوة الهادیة» می‌نامند.

### ادوار تاریخ اسماعیلیه

ما در این بخش، تاریخ اسماعیلیه را تا سقوط دولت فاطمی و انتقال تدریجی دستگاه اسماعیلیه به ایران و هند بررسی خواهیم کرد. برای روشن شدن تاریخ پر پیچ و خم اسماعیلیه، ما تاریخ اسماعیلیه را به چهار دور تقسیم می‌کنیم.

۱. اسماعیلیه نخستین (سال ۱۴۸ ق)
۲. دوره ستر امامان اسماعیلی (۱۴۵ ق - ۲۹۷ ق)
۳. اسماعیلیان قرامطه (۲۶۰ ق - ۴۵۰ ق)
۴. اسماعیلیان دولت فاطمی (۲۹۷ ق - ۵۶۷ هـ ق)

### اسماعیلیه نخستین (۱۴۸ ق)

بعد از وفات امام صادق علیه السلام در سال ۱۴۸ ق، شیعه در درون خود شکافی بزرگ را شاهد بود. معظم شیعه، امام کاظم علیه السلام را به عنوان جانشین پدرش پذیرفتند. ولی گروه دیگر امامت را در نسل اسماعیل بن جعفر دانستند. این گروه دومی، اسماعیلیه خوانده می‌شود. گرچه گروه اولی، مرگ اسماعیل را در زمان حیات امام صادق علیه السلام قرینه بر امامت امام کاظم علیه السلام می‌دانند، ولی اسماعیلیه هیچ وقت امامت امام کاظم علیه السلام را نپذیرفتند.

نوبختی ماجرای امامت اسماعیل بن جعفر را چنین توصیف می کند: گروهی گفتند که پس از جعفر بن محمد، اسماعیل بن جعفر امام است و وی در زمان حیات پدرش نمرده است. این دسته، اسماعیلیان ویژه (اسماعیلیان خالصه) هستند.<sup>۲</sup>

گروه دیگر معتقد به مرگ اسماعیل در زمان حیات امام صادق علیه السلام شدند و لذا محمد بن اسماعیل را به عنوان امام پذیرفتند. این امامت از طرف اسماعیل به وی منتقل شده است. این گروه به نام رهبرشان مبارک که غلام اسماعیل بن جعفر بود مبارکیه خوانده می شوند.<sup>۲</sup>

### دوره ستر امامان اسماعیلی (۱۴۵ ق تا ۲۹۷ ق)

بعد از آن اختلاف نخستین در ادوار اسماعیلیه، اسماعیلیه خالصه دوام نیاوردند و بیشتر اسماعیلیه نظر مبارک، غلام اسماعیل بن جعفر، را پذیرفتند و به این ترتیب معتقد به امامت محمد بن اسماعیل شدند. بعد از شهادت امام صادق علیه السلام اکثر شیعیان، به ویژه اصحاب برجسته آن حضرت، امامت امام کاظم علیه السلام را پذیرفتند. لذا محمد در مدینه توانست موقعیت پیدا کند.<sup>۲</sup> از این رو، مدینه را ترک کرد و اختفا گزید و به همین سبب او را «المکتوم» هم می گویند. همین اختفا گزیدن، آغاز دوره ستر امامان اسماعیلی بود.

وی در عین حال ارتباط نزدیک با مبارکیه را حفظ کرد. او نخست به جنوب عراق و سپس به ایران رفت. و داعیان خویش را برای تبلیغ به نواحی مختلف می فرستاد. وی حدوداً در سال ۱۷۹ ق فوت کرد.<sup>۳</sup> بعد از وی نسل او سلسله امامت اسماعیلی را ادامه دادند.

### اسماعیلیان قرامطه (۲۶۰ ق - ۴۵۰ ق)

در دوره ستر، امامان اسماعیلی برای زنده نگه داشتن نهضت اسماعیلی سعی وافر می کردند. آنها دعوات را برای تبلیغ کیش اسماعیلی به نواحی مختلف می فرستادند. البته این دعوات به طور مخفیانه و گاهی فقط به صورت مکاتبه با امامان خویش در ارتباط بودند. مرکز این تشکیلات سلمیه (شام) بوده است.

یکی از این دعوات شخصی به نام حسین اهوازی بود. وی به طرف جنوب عراق مأموریت داشت و در فعالیت تبلیغی توانست فردی به نام حمدان بن اشعث ملقب به قرمط<sup>۲</sup> را که از سواد کوفه بود، در حدود سال ۲۶۱ ق، اسماعیلی کند. با اسماعیلی شدن حمدان وی هم به تبلیغات کیش اسماعیلی پرداخت. وی در ظرف چند سال، البته با کمک عیدان، شوهر خواهر خود، توانست دعوت اسماعیلیه را گسترش چشمگیری دهد. تا این حد که کل دعوت اسماعیلی را تحت سیطره فعالیت خودش قرار داد و واژه قرامطه به همه اسماعیلیان آن زمان اطلاق شد.<sup>۴</sup>

## اسماعیلیان دولت فاطمی (۳۹۷ق تا ۵۶۷ق)

همان‌طور که قبلاً هم گذشت، تشکیلات نهضت اسماعیلی خصوصاً بخش دعوت بسیار منسجم بود. حتی در دوره ستر امامان اسماعیلی هم این برنامه به طور جدی پیگیری می‌شد. یکی از داعیانی که در ناحیه یمن از طرف امام مستور نصب شده بود، جعفر المنصور یا ابن حوشب بود. ابن حوشب، حلوانی (عبیدالله بن علی بن احمد) و ابوسفیان (حسن بن قاسم) را به ناحیه شمال آفریقا اعزام کرد. وقتی خبر مرگ این دو تن<sup>۱</sup> به ابن حوشب رسید، او در سال ۲۸۹ق حسن بن احمد بن محمد بن زکریا، معروف به ابو عبدالله شیعی را که اهل صنعا بود، به مغرب فرستاد. ابو عبدالله شیعی با تدبیر زیرکانه، همراه با زهد و عدالت و پیروی کردن از ضابطه های تشیع توانست در مدت پانزده سال حدوداً بیست هزار جنگجوی مغربی را به خود جذب کند. البته وی در این امر، با مشکلات عدیده مواجه شد و با بسیاری از قبایل در افتاد، ولی همیشه پیروزی از آن ابو عبدالله شیعی بود.<sup>۲</sup> همین حرکت ابو عبدالله شیعی، بستر مناسبی برای استقرار یک دولت اسماعیلی در مغرب بوده است.

از آن طرف، در سال ۲۸۶ق مرکز تشکیلات اسماعیلی، با سرکار آمدن عبیدالله المهدی دچار تغییرات اساسی شد. وی خود را و رهبران گذشته را امام خواند و به این ترتیب منکر قائمیت محمد بن اسماعیل شد که اصل اعتقادی نزد قرامطه بود. در سال ۳۹۷ق، وقتی عبیدالله به رقاده، پایتخت حکومت ابو عبدالله، رسید، با وی بیعت کرد و حکومت را با دو دست خود تقدیم عبیدالله المهدی نمود.

عبیدالله با لقب المهدی بالله و امیر المؤمنین، حکومت خود را فاطمی اعلام کرد و به این ترتیب دولت فاطمی با اولین امام ظاهر در آفریقا (تونس امروز) کار خود را آغاز کرد و رسماً دوره ستر به پایان رسید.<sup>۳</sup>

دولت فاطمی نه تنها یکی از دوره های پر افتخار برای اسماعیلیه به حساب می‌آید، بلکه افتخاری بسی بزرگ برای جهان تشیع بالاخص و جهان اسلام به طور عام بوده است؛ دوره‌ای که محقق بزرگ، فرهاد دفتری آن را (عصر طلایی) نهضت اسماعیلی می‌داند. این دولت توانسته اصول و فروع اسماعیلیه را به جهانیان معرفی کند و در درون خود افراد بزرگی همچون ابوحاتم رازی، محمد بن احمد نسفی، قاضی نعمان، ابویعقوب سجستانی، حمیدالدین کرمانی، مؤیدالدین شیرازی، ناصر خسرو و دهها شخصیت مشهور را پرورش دهد. همین دولت بود که خلیفه چهارم المعزالدین الله، مصر را فتح کرد و قاهره را احداث نمود که مرکز علم و دانش و فرهنگ اسلامی شد.

مرگ مستنصر و بدر الجمالی در یک سال، باعث انشقاق بزرگ در درون فاطمیان گردید. دو پسر مستنصر به نام نزار و مستعلی در مورد جانشینی پدرشان اختلاف پیدا کردند. مستعلی، هنگام فوت پدرش ۲۱ ساله و کوچک‌تر از نزار پنجاه ساله بود. کسانی که از مستعلی طرفداری کردند، به مستعلویه شهرت پیدا کردند و طرفداران نزار، نزاریه خوانده شدند.

اسماعیلیان دیگر مناطق هم دو گروه شدند. اسماعیلیان یمن با ادعای نامه مستنصر به امامت مستعلی معتقد شدند و اسماعیلیان ایران به رهبری حسن صباح با ادعای ارشد بودن نزار به امامت نزار معتقد شدند.

مستعلی در سال ۴۹۵ ق درگذشت و پسر پنج ساله‌اش ملقب به الأمر باحکام الله را به عنوان امام بر جا گذاشت. واضح است که امر در پنج سالگی امام تشریفاتی بوده و همه امور در دست افضل بوده است. وقتی امر به ۲۵ سالگی می‌رسد، وزیرش افضل، مورد حمله قرار می‌گیرد و کشته می‌شود. منابع اسماعیلی مستعلوی، امر را مبرا از این قتل می‌دانند. امر هم در سال ۵۲۴ ق توسط فداییان به سرنوشت افضل دچار می‌شود. بعد از مرگ امر، دولت فاطمی شاهد انشقاق درونی است. دولت فاطمی، بعد از مرگ امر (۵۲۴ق) اعلام کرد که وی فرزندی ندارد تا جانشین وی شود. لذا پسر عموی وی به نام عبد المجید الحافظ به عنوان خلیفه فاطمی و امام اسماعیلی اعلام می‌شود. ولی این دیدگاه توسط اسماعیلیان یمن (صلیحیون) مورد پذیرش واقع نشد؛ به این دلیل که امر قبل از فوتش به رئیس حکومت صلیحیون یمن و داعی کل اسماعیلیان یمن نامه نوشته بود که در آن خبری درباره فرزند خود به نام طیب<sup>۱۱</sup> داده بود. لذا اسماعیلیان یمن، طیب را به عنوان جانشین امر پذیرفتند و به این سبب با دولت فاطمی قطع روابط کردند و فرقه ای جدید به نام طیبیان پدید آمد. گفتنی است اسماعیلیان هند (بهره‌ها) نیز به دنبال اسماعیلیان یمن که مسئول دعوت اسماعیلی در هند بودند، امامت طیب را پذیرفتند.

دولت فاطمی دیگر نه طرفداران ایرانی داشت، چون آنان به فرقه نزاریه گرایش پیدا کرده بودند و نه طرفداران یمنی و هندی داشت، چون آنان نیز طیبه شده بودند. این نشانه نزدیک بودن افول دولت فاطمی بود.

### بخش دوم: پدید آمدن بهره‌ها در سرزمین هند

#### ورود اسماعیلیان به هند

همان‌طور که در فصل گذشته هم بیان کردیم، اسماعیلیان در تبلیغ کیش خود سخت کوشا بودند و در کنار فعالیتهای سیاسی همواره تبلیغات دینی هم داشتند. به این تبلیغات، «الدعوة الهادیة»

یا «دعوة الحق» می گفتند. این دعوت اختصاص به بلاد عرب نداشت، بلکه در اقصی نقاط عالم از جمله شبه قاره هند هم گسترش یافته بود. اولین حکایت از قبیل این تبلیغات در شبه قاره هند، حکایت ابن حوشب و برادرزاده او به نام هیثم است. ابن حوشب در ۲۷۰ ق هیثم را به عنوان نخستین داعی اسماعیلی به سند گسیل داشت و دعوت از آنجا به نواحی دیگر شبه قاره هند نیز گسترش یافت.<sup>۱۳</sup>

وقتی تبلیغات اسماعیلیه به دست اسماعیلیون دولت فاطمیان افتاد، داعیان اسماعیلی در تبلیغ کیش اسماعیلیه سنگ تمام گذاشتند. داعیان اسماعیلی در دوره معز توانستند در سال ۳۴۷ ق حاکم محلی سند را به کیش اسماعیلی در آورند و در نتیجه ملتان، پایتخت سند، به دار الهجره مهمی برای اسماعیلیان سند تبدیل شد. البته غزنویان پیوسته اسماعیلیان سند را مورد آزار و اذیت قرار می دادند، ولی سند به اسماعیلیه وفادار ماند. علاوه بر این، المعز شخصاً با دعوات سند در مکاتبه بود و امور آنها را پیگیری می کرد و سعی وافری داشت تا اشتباهات اعتقادی برخی از گروههای پیرو دعوت اسماعیلیان فاطمی را که متأثر از تبلیغات قرمطی بودند، مرتفع کند.<sup>۱۴</sup>

در زمان خلیفه هشتم دولت فاطمی، به نام المستنصر، این دعوت به غرب هند هم گسترش یافت و اساساً اسماعیلی شدن بهره‌های گجراتی مرهون زحمتهای مستنصر است. بهره‌ها که طبقه تجار هندی بودند که از آیین هندو پیروی می کردند، به سبب تبلیغات دعوات اسماعیلی به مذهب اسماعیلیه گرایش یافتند.

ورود داعیان دولت فاطمی در دوره مستنصر و گرایش پیدا کردن این گروه هندو به کیش اسماعیلی داستانی جالبی دارد و بهره‌ها همیشه به این داستان افتخار می کنند. البته گاهی این داستان با کمی مبالغه و افسانه ذکر می شود. به هر حال، این داستان در کتاب *موسم بهار* آمده است و بهره‌ها این کتاب را به عنوان تاریخ مستند قوم خویش پذیرفته‌اند.

در سال ۴۶۰ ق مستنصر، هشتمین خلیفه فاطمی، شخصی به نام احمد را به عنوان داعی به طرف منطقه کامبی (خمبات Khambhat) واقع در ایالت گجرات هند فرستاد. مستنصر به داعی احمد گفت که مسلمانان کامبی از طرف مشرکان مورد آزار و اذیت واقع می شوند. بروید و مردم این منطقه را هدایت کنید و به طرف حق دعوت دهید. داعی احمد هم با لباس هندی وارد منطقه شد و چند روز به خاطر ناآشنا بودن با گویش آن منطقه، در شهر ماند و با آداب و رسوم و زبان مردم مقداری آشنایی پیدا کرد.

روزی چند پسر بچه را دید که بازی می کردند. در میان آن کودکان دو کودک با چهره‌ای نورانی وجود داشت، که به ظاهر با استعداد به نظر می آمدند. از حال آنان جو یا شد و فهمید که آن دو کودک یتیم‌اند. نام پسر بزرگ رمانات<sup>۱۵</sup> و نام پسر کوچک روپنات<sup>۱۶</sup> بوده است. داعی احمد فکر کرد که این دو نوجوان را به مصر ببرد و به آنان علم بیاموزد و سپس به کمک آن دو مردم منطقه را هدایت و به دین محمدی دعوت کند. وی این دو کودک را با مهربانی و شفقت به طرف خود جذب کرد. وقتی هم تصمیم گرفت به مصر برگردد، درخواست کرد آنان هم با او بروند. آنها هم این همراهی را پذیرفتند و به طرف مصر حرکت کردند.

داعی احمد خدمت مستنصر رسید و گزارش سفر داد و گفت من به دیار شرک رفتم، ولی به خاطر ندانستن زبان و فرهنگ آنجا نتوانستم آن مردم را به حق هدایت کنم. لذا این دو نفر جوان را آوردم تا آنان را تربیت کنم و بعد با هم برای نابودی شرک در آن منطقه سعی خواهیم کرد. مستنصر از این خبر خوشحال شد و نام این دو نوجوان را که نام غیر اسلامی داشتند به نام اسلامی تبدیل کرد و رمانات را عبدالله و روپنات را نور الدین خواند.

داعی احمد در مدت کوتاهی توانست این دو نوجوان را با علوم اسلامی آشنا کند. وی پیش مستنصر رفت و اعلام کرد که این دو نوجوان به فقه، اخبار، بحث و مناظره، تأویل و حقایق آشنایی خوبی پیدا کرده‌اند و آماده تبلیغ کیش اسماعیلی‌اند. مستنصر به داعی احمد سفارش کرد که قبل از سفر به هندوستان از محضر داعی لمک بن مالک، که داعی برجسته یمن بود و به مصر آمده بود و با فرهنگ هند آشنایی داشت، استفاده کنند. داعی لمک این سه نفر را به یمن برد و تعالیم تکمیلی داد. در سال ۴۶۸ ق بار دیگر داعی احمد به همراه عبدالله و نورالدین به هند بازگشتند.

عبدالله در همان روزهای ابتدایی وارد یک مزرعه شد و از صاحبان آن مزرعه به نام کاکا اکیلا<sup>۱۷</sup> و کاکای اکیلی<sup>۱۸</sup> درخواست آب کرد. چاه آن مزرعه خشک شده بود و مزرعه هم ویران بود. عبدالله گفت: من غلام اهل بیت علیهم‌السلام و خادم دین حق هستم. الله رازق و کارساز است. اگر من آب چاه‌های شما را بالا بیاورم، آیا ایمان می آورید و دین اسلام را می پذیرید؟ کاکا اکیلا و کاکای اکیلی این مرد را راستگو یافتند و حرفش را قبول کردند. عبدالله دعا کرد و هنوز دعای او تمام نشده بود که آب از چاه سرازیر شد. آن دو نفر ایمان آوردند و تا آخر عمر بر ولایت باقی ماندند.

آنان سپس سراغ بقیه اهل شهر رفتند تا آنها را با نور ایمان منور کنند. در معبد آن شهر یک



فیل معلق در هوا بود و مردم آن را اعجاز خدای خود می دانستند و پرستش می کردند. عبدالله به آن معبد رفت و به مردم گفت: این اعجاز نیست و من می توانم این فیل را پایین بیاورم. مردم تعجب کردند، ولی عبدالله آهنرباهایی را که به چهار ستون معبد چسبیده بود و به خاطر جاذبه آن فیل معلق بود، در آورد و فیل به زمین افتاد. مردم به عبدالله گرایش پیدا کردند و حرف عبدالله را پذیرفتند و مسلمان شدند. در ظرف چند روز عبدالله این مردم را به کیش اسماعیل جذب کرد. علاوه بر این، عبدالله توانست پادشاه پاتن (Patan) به اسم سیدراج جی سینگ<sup>۲۱</sup> و وزیرش بارمل<sup>۲۲</sup> را به کیش اسماعیل در بیاورد و نسل آنان دعوت خود را در آن منطقه و در دیگر نواحی ادامه دادند.

مستنصر با شنیدن این خبر خرسند شد و نامه های تبریک برای داعی احمد و همراهانش فرستاد. داعی احمد به هنگام مرگ، امر دعوت را به عبدالله سپرد. داعی احمد در یازدهم محرم سال ۵۲۰ق از دنیا رفت. داعی عبدالله دوست خودش نور الدین را به دانگام<sup>۲۳</sup> (Dongam) فرستاد. وی توانست در ظرف دو سال در آن منطقه بسیاری را اسماعیلی کند. نور الدین در یازدهم جمادی الاول سال ۵۳۰ ق از دنیا رفت.

داعی عبدالله با شنیدن خبر مرگ نور الدین سخت متأثر گشت. وی کامبای را به مقصد پاتن رها کرد و یعقوب بن بارمل فرزند وزیر پاتن را جانشین خود معین کرد. او نیز در یکم محرم سال ۵۳۶ ق دار فانی را وداع گفت. یعقوب بن بارمل، امر دعوت را گسترش داد و نسل وی یکی بعد از دیگر جانشین و مسئول امر دعوت شدند. این افراد در دعوت اسماعیلی به عنوان والی شناخته می شدند. با رشد جماعت بهره توجه دقیقی به آموزش اصول عقاید مذهبی و به ویژه تربیت داعیان دیگر مبذول گردید. این امور زیر نظر و با سرپرستی دقیق داعی اکبر در یمن صورت می گرفت.<sup>۲۴</sup>

آنچه از این داستان فهمیده می شود و بسیار به حقیقت نزدیک است این است که داعیان اسماعیلی بدون هیچ غرض سیاسی به هند آمده بودند و هند هم یکی از جزایر دوازده گانه بود که کیش اسماعیلی باید در آنجا گسترش می یافت. همین خلوص داعیان بود که در تبلیغاتشان موفق بودند و توانستند در سرزمین هند پیروان زیادی پیدا کنند. علاوه بر این، طبقات اجتماعی آیین هندو هم برای جذب مردم به دین اسلام، بی تأثیر نبود. اسلام به راحتی طبقات پایین جامعه را هم ردیف ثروتمندان قرار می داد. لذا تعداد زیادی به این دعوت جذب می شدند.

## دستگاه داعی مطلق به هند منتقل می شود

همان طور که قبلاً هم گذشت، بهره‌ها روابط صمیمانه با مرکز دعوت در یمن داشتند. یمن بعد از صلیحیون هم مرکز دعوت به حساب می آمد. لذا طلاب مستعد بهره‌ها برای تکمیل دوس مذهبشان به یمن هجرت می کردند. یکی از این طلاب برجسته، حسن بن نوح بهروچی بود. وی نزد بیستمین داعی حسن بن ادریس تلمذ کرد و با داعیان بعدی هم همکاری نزدیک داشت. یکی دیگر از این طلاب برجسته، یوسف بن سلیمان بود. وی در ایام جوانی به یمن رسید و فرصت خوبی برای تحصیل علوم دینی یافت. وی ابتدا پیش بهروچی هم‌ولایتی خود درس خواند. سپس در ظرف چند سال مدارج عالی علوم دینی را طی کرد و به این سبب توجه بیست و سومین داعی را به خود جلب کرد. وی یوسف را به جانشینی خود برگزید. لذا یوسف بن سلیمان اولین بهره بود که به عنوان بیست و چهارمین داعی انتخاب شد. وقتی بیست و سومین داعی در سال ۹۴۶ ق در گذشت، یوسف در گجرات هند بود و از همان جا امور دعوت را اداره می کرد. بعد از مدتی وی به یمن هجرت کرد و آنجا مشغول امور دعوت شد. وی جانشین خود را یک بهره به نام جلال بن حسن را انتخاب کرد. جلال بن حسن، بیست و پنجمین داعی، در احمد آباد مستقر شد و برای یمنیها نایب منصوب کرد. این داعی هند را مرکز دعوت اعلام کرد.

### چرا هند به عنوان مرکز دعوت انتخاب شد؟

جلال بن حسن امور دعوت را به چند دلیل از یمن به هند انتقال داد:

۱. بهره‌ها، با همه آزار، اذیتها، تقيه و گرویدن تعدادی از آنان به مذهب اهل سنت، جمعیتشان از طیبیان یمن بیشتر شده بود.
  ۲. بخش بزرگی از وجوهات دینی از طرف بهره تأمین می شد.
  ۳. عثمانیها بر یمن غلبه پیدا کرده بودند.
  ۴. امام زیدیه‌ها به نام مطهر بن شرف الدین با اسماعیلیان یمن سخت دشمنی می ورزید و بنوالانف را، که داعیانی از این خاندان بودند، از میان برداشت.
  ۵. بهره‌ها وفادارترین مردم به امور دعوت بودند.
- بهره‌ها در طول قرون شاهد انشقاقهای زیادی در درون خودشان بودند. اغلب این انشقاقها به خاطر تصاحب منصب داعی بوده است.

طهری

## نخستین شکاف میان بهره‌ها: بهره‌های جعفری

در زمان داعی هجدهم، علی بن عبدالله (۸۲۱ ق - ۸۳۲ ق)، ولایت هند به حسن بن آدم بن سلیمان رسید. حسن بن آدم مدرسه‌ای علمی در شهر احمد آباد برای تحصیل علوم دینی باز کرد. شخصی به نام جعفر هم برای تحصیل در این مدرسه از شهر پاتن به احمد آباد هجرت کرد. حسن بن آدم خود امر تدریس را عهده‌دار شد. بعد از مدتی جعفر درخواست کرد که برای طی مدارج علمی به یمن<sup>۳۳</sup> برود، ولی حسن بن آدم به این دلیل نپذیرفت که وی هنوز صلاحیت کافی برای رفتن به یمن ندارد. ولی جعفر نپذیرفت خودش بدون هیچ هماهنگی به یمن هجرت کرد. جعفر به شهر خود، پاتن برگشت و مردم را به خاطر سختگیری و افراطی بودن والیان طیبی به مذهب اهل سنت دعوت کرد.

## شکاف دیگری در میان بهره‌های طیبی: بهره‌های سلیمانی

بهره‌های طیبی هنوز شیرینی آزادی را به طور کامل نچشیده بودند که شکاف دیگری در میان آنان ایجاد شد. بعد از درگذشت داعی بیست و ششم، داود برهان الدین بن قطب شاه بر کرسی داعی مطلق نشست. این خبر بعد از مدتی به یمن رسید. اما چهار سال بعد، سلیمان بن حسن هندی، نایب داود بن عجب شاه، بیست و ششمین داعی، ادعای جانشینی کرد و برای اثبات مدعای خودش به هند سفر کرد. دعوی جانشینی به دربار اکبر هم رسید. وی هیأتی برای حل و فصل این مشاجره به گجرات فرستاد و هیأت به نفع داوود برهان الدین بن قطب شاه قضاوت کرد. اکثریت بهره‌های هند و اقلیت اسماعیلیان یمن طرفداران داوود برهان الدین شدند. اکثریت اسماعیلیان یمن و اقلیت بهره‌های هند نیز طرفدار سلیمان بن حسن شدند. لذا بهره‌های طیبی بار دیگر به بهره‌های داوودی و بهره‌های سلیمانی منقسم شدند. سلیمانیه‌ها مقرر دعوت را یمن قرار دادند و داوودیه‌ها مقرر را در هند نگه داشتند.

بعد از این نیز بهره‌های داوودی به علوی، ناگوشیه، هجومیه، هبتیه، مهدی باغ والا یا اتباع ملک (بدریها و وکیلیها یا ارتالیس والا) منقسم شدند. البته گفتنی است که علاوه بر بهره‌های اسماعیلی، جماعت‌هایی از بهره‌های سنی و اثنا عشری نیز پیدا می‌شود. از این همه فرقه‌ها بهره‌های داوودی اکثریت را تشکیل می‌دهند و جمعیتشان بالغ بر یک میلیون نفر در جهان تخمین زده می‌شود.

## بخش سوم: میراث علمی بهره‌ها

هویت هر قوم و گروهی را میراث علمی آن تشکیل می‌دهد. این سرمایه‌های علمی است که یک مکتب را زنده نگه می‌دارد. این میراث علمی می‌تواند آثار مکتوب در کتابخانه‌ها یا حوزه‌های علمیه باشد یا دانشمندان و صاحب نظران آن قوم باشند. به هر حال، تأثیر دانشمندان، حوزه‌های علمیه و کتابخانه‌ها در حفظ و زنده نگه داشتن فرقه فراوان است.

این مطلب در فرقه بهره‌ها کاملاً صدق می‌کند. گرچه این فرقه تعداد و پیروان کمتری دارد، ولی به خاطر میراث علمی بسیار قوی، تا به حال زنده و پویاست. بهره‌ها دانشمندان فراوانی در زمان گذشته و حال دارند و کتابخانه‌های آنها پر از آثار گذشتگان است. گرچه به خاطر مخفی کاری بهره‌ها، این میراث علمی برای دیگران تا حدودی مخفی مانده است، ولی باز هم آنچه اطلاعات علمی داریم برای به دست آوردن این نتیجه کافی است که میراث علمی بهره‌ها بسیار غنی است.

ما این بخش را به دو قسم تقسیم می‌کنیم: ۱. شخصیت‌های برجسته اعم از گذشتگان و معاصران. ۲. حوزه‌های علمیه.

### اول. شخصیت‌ها

از میان درگذشتگان این رجال برجسته و بزرگ علمی را می‌توان نام برد: ۱. قاضی نعمان. ۲. ابراهیم بن حسین حامدی، دومین داعی مطلق (۵۵۲-۵۵۷ق). ۳. حاتم ابن ابراهیم الحامدی، سومین داعی مطلق (۵۹۶ق). ۴. علی بن محمد بن جعفر بن ابراهیم بن ولید، پنجمین داعی مطلق (۵۲۲ق-۶۱۱ع یا ۶۱۲ع). ۵. علی بن حسین بن حنظله الوادعی، ششمین داعی مطلق (۶۲۶ق). ۶. ادریس عماد الدین قرشی، نوزدهمین داعی مطلق (۸۷۲ق).

دانشمندان معاصر نیز به دو قسم منقسم می‌شوند: الف) اندیشمندان اسماعیلی طیبی بهره‌های دعوت. ب) اندیشمندان اسماعیلی طیبی بهره‌های غیر دعوت. در میان گروه نخست، طاهر سیف الدین و سید محمد برهان الدین را می‌توان نام برد.

برهان الدین به عنوان پنجاه و دومین داعی مطلق بهره‌های داوودی مشغول فعالیت است. وی همان سیاست پدرش را پیش گرفته و به اصلاحات اجتماعی جامعه بهره‌ها پرداخته است. وی داعی پرکار و کوشایی است و برای بهبود وضعیت معیشتی و دینی بهره‌ها زحمتهای فراوانی کشیده است. البته تجمل‌گرایی و قصر نشینی در دستگاه وی به طور افراطی دیده می‌شود.

وی در سال ۱۳۳۳ ق / ۱۹۱۵م در شهر سورت گجرات هند به دنیا آمد. و در سال ۱۹۶۵ م بر منصب داعیگری نشست. وی در نوجوانی کل قرآن را حفظ کرد و به عتبات عالیات سفر کرد.

طاهر

سال هشتم - شماره ۲۰ - زمستان ۱۳۸۸

۷۶

برهان الدین خطیب، شاعر و نویسنده برجسته است و به چند زبان زنده جهان تسلط کامل دارد. وی برای پیشبرد اهداف بهره‌ها به سرتاسر جهان سفر می‌کند. وی به کشورهای آسیایی، اروپایی و آمریکایی سفرهای زیادی کرده است و به همین سبب وی را به سلطان البواهری و منصور الیمن ملقب کردند. وی همچنین دکترای افتخاری از دانشگاه‌هایی همچون الازهر و علیگره مسلم یونیورسیتی، گرفته است. او با رؤسای دولتهای مختلف جهان ارتباط خوبی دارد و گاهی به دعوت رسمی هم ضیافت می‌شود.

برخی از اندیشمندان اسماعیلی طیبی بهره‌های غیر دعوات نیز عبارت‌اند از: ۱. زاهد علی (۱۸۸۸ تا ۱۹۵۸). ۲. حسین الهمدانی (۱۹۰۱ تا ۱۹۶۲). ۳. آصف علی اصغر فیضی (۱۸۹۹ تا ۱۹۸۱).

## دوم. حوزه علمیه

بهره‌ها فقط یک مرکز برای تربیت عالمان و مأموران و نیز دادن تعالیم عالیه دینی به اعضای جامعه خود دارند که به نام «الجامعة السیفیة» شهرت دارد. این جامعه در شهر سورت ایالت گجرات هند واقع است. البته در شهر کراچی هم مرکزی به همین نام وجود دارد، ولی اعتبار چندان ندارد و فقط شاخه‌ای از جامعه السیفیة هند به حساب می‌آید.

این جامعه در سال ۱۸۱۴م توسط چهل و سومین داعی مطلق بهره‌ها به نام سیدنا عبد علی سیف الدین (۱۷۹۸-۱۸۱۷) با هزینه بالغ بر ۶۵ هزار روپیه هندی تأسیس شد. این جامعه در زمان وی به نام سیفی درس شهرت داشت که بعد ها در زمان پنجاه و یکمین داعی، طاهر سیف الدین (۱۹۱۵-۱۹۶۵) به نام الجامعة السیفیة موسوم شد. این جامعه از زمان تأسیس مرکز علوم اسماعیلیه و فرهنگ و دولت فاطمی بوده و در آن، داعی و شاگردانش در مسجد و ایوان مشغول درس و تدریس بوده‌اند. این جامعه دارای نسخه‌هایی خطی است که از دولت فاطمی و داعیان به ارث بردند و آن را الخزانة المکتونة می‌گویند. این نسخه‌ها در دولت فاطمی از مصر به یمن منتقل شده بود و از آنجا به هند آورده شد. ولی این میراث غنی تا امروز به طور دقیق مخفی نگه داشته می‌شود و حتی دانشمندان بهره اسماعیلی هم به آن دسترس ندارند و فقط برخی افراد، آن هم با میثاق سنگین با داعی مطلق، اجازه ورود به این بخش جامعه دارند.

این جامعه از زمان پنجاه و یکمین داعی به روز شد. جامعه در زمان وی هم از حیث ساختار ظاهری و هم از حیث مواد درسی تغییر اساسی یافت. وی تلاش کرد علاوه بر علوم دینی جامعه، تعالیم دانشگاهی هم به دانش پژوه داده شود. وی بخش دختران را در همین

جامعه افتتاح کرد. این اصلاحات یا سر کار آمدن پنجاه و دومین داعی مطلق سیدنا محمد برهان الدین تکمیل شد. وی با نظارت مستقیم توانست این جامعه را به یکی از برجسته‌ترین دانشگاه‌های اسلامی جهان برای بهره‌ها تبدیل کند.

### بخش چهارم: اندیشه‌های اعتقادی و فقهی

#### الف) اندیشه‌های اعتقادی

فهم اعتقادات مذهب بهره‌ها وابستگی تام به دانستن اندیشه‌های اعتقادی فاطمیون دارد. بهره‌ها خود را وارثان بلافصل فاطمیون می‌دانند و لذا اصول عقاید قدیمی آن دوره هنوز هم مورد قبول آنان است. بهره‌ها سنتهای فاطمیون، از جمله علائق قدیمی‌تر به جهان شناسی و تاریخ را حفظ کردند. آنها تعالیمی درباره خداوند، جهان، امامت و معاد ارائه دادند. گرچه مهم‌ترین بخش این تعالیم از مبانی و اصول کلی اعتقاد اسلامی و شیعی تشکیل می‌شد، ولی با پاره‌ای از میراث‌های عقلی و روحانی یونانیان و گنوسیان نیز در آمیخته بود.

#### خداشناسی

خدا واحد است. هیچ چیز مانند او نیست. بر هر کسی واجب است که با نظر و استدلال به خدا معرفت پیدا کند.<sup>۳۳</sup> داعی ادریس در باب خداشناسی اسماعیلیه می‌نویسد: خدای متعال برتر از درک ماست و هیچ نسبتی با ما سوی ندارد. از رأی، قیاس و گمان ما فراتر است و هیچ کس از عهده وصف او آن‌چنان که هست بر نمی‌آید. ذاتی و رای وجود و عدم است و افهام بشر به کنه ذاتش نمی‌رسد.<sup>۳۴</sup>

توحید واقعی اقتضا می‌کند که صفات از خدا نفی و سلب شود. آن اسمای حسنی<sup>۳۵</sup> که قرآن ذکر می‌کند نیز به عنوان استعاره توجیه می‌شود. تنزیه متوقف بر سلب اسما و صفات از باری تعالی است.

#### نبوت

در اندیشه‌های اسماعیلی طیبی، علاوه بر واژه «نبی» و «رسول»، واژه ناطق بر پیامبران نیز اطلاق می‌شود. اسماعیلیه معتقدند که تاریخ بشر هفت دوره دارد و هر دوره هم یک ناطق که دارای کتاب و شریعت باشد، وجود دارد. ما اکنون در دوره ششم به سر می‌بریم و لذا ناطق ششم پیامبر اسلام ﷺ است. قبل از آن حضرت نطقایی همچون آدم، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی ﷺ بوده‌اند.

طهری

بین دو ناطق یک هزار سال فاصله وجود دارد. و در آن میان هر پیامبری که می‌آید پیامبر صامت خوانده می‌شود. پیامبر اسلام ﷺ آخرین پیامبر و آخرین شریعت‌آور است. دوره هفتم تاریخ بشر با ظهور محمد بن اسماعیل ناطق هفتم آغاز خواهد شد. این دوره، دوره ظهور همه امور باطنی است که به آن دور قیامت نیز می‌گویند.

### امام شناسی

مهم‌ترین بحث در اصول اعتقادی بهره‌ها بحث امامت است. حتی مباحث دیگر هم مرتبط با بحث امامت است. امام قطب و محور جهان است. نقش امام در نگاه آنان عمیق‌تر از نبی است، چون نبی ظاهر شریعت را می‌آورد و امام باطن آن را بیان می‌کند. به عبارت دیگر، نبی دعوت به تنزیل می‌دهد و امام به تأویل شریعت.<sup>۳۷</sup> امام شناسی بهره‌ها کاملاً مرتبط با جهان شناسی آنان است. ابراهیم حامدی در *کنز الولد*، تاریخ بشر را به هفت دوره تقسیم می‌کند. هر دوره با یک پیامبر ناطق شروع می‌شود و آن پیامبر دارای یک مربی، یاور، حافظ یا امام مقیم و یک وصی است که آن وصی «اساس» یا «صامت» نامیده می‌شود. بعد از این وصی هفت امام می‌آیند که تکمیل‌کننده کار وی‌اند.

### جایگاه بحث ائمه و امامت

امامت از دیدگاه اسماعیلیه طیبی منصبی الهی است و امام از جانب خداوند هدایت و برگزیده می‌شود و مسلمانان به وساطت او می‌توانند به وظایف دینی خود عمل کنند و درکی کامل و جامع از ابعاد ظاهری و باطنی قرآن حاصل نمایند. بهره‌ها ولایت امام را یکی از ارکان دین می‌دانند و آن را برترین رکن می‌شمارند و معتقدند که جهان هستی بدون امام لحظه‌ای دوام ندارد و اگر فرضاً امام از دست رفته، بی‌درنگ همه عالم نابود می‌شود. هر کسی که بدون شناخت امام خود بمیرد، به مرگ جاهلیت جان سپرده است.<sup>۳۸</sup>

هر انسانی باید به ائمه ولایت اعتقاد داشته باشد و همین ولایت به نام عمل در چندین جای قرآن<sup>۳۹</sup> ذکر شده است. اعمال واجب و مستحب بدون ولایت امامان قبول نمی‌شوند، چون قرآن گفته است: از الله و رسول و صاحبان امر اطاعت کنید.<sup>۴۰</sup> این سه اطاعت از یکدیگر جدا نمی‌شود. هر کدام که رها شد، بقیه اطاعتها هم باطل خواهد شد.<sup>۴۱</sup>

### جهان شناسی

جهان شناسی بهره‌ها پیچیده‌ترین بحث در اندیشه‌های اعتقادی است. این مباحث کاملاً تحت تأثیر جهان شناسی نو افلاطونی است. البته جهان شناسی نو افلاطونی وقتی وارد مباحث

اسماعیلیه شده، رنگ و بوی اسماعیلی گرفته است. ابراهیم حامدی در کتاب *کنز الولد* این مباحث را به طور گسترده در ضمن هشت فصل آورده است. این مباحث با مباحث دیگر همچون خدا شناسی، نبی شناسی، امام شناسی و معاد شناسی کاملاً ارتباط دارد.

بنا بر عقیده جهان شناسی طبیعی‌ها، عالم ابداع در یک دفعه خلق شد و مرکب از صور روحانی بی‌شمار بود که همه از حیث بهره‌ای که از حیات، قدرت و قوت داشتند برابر بودند. یکی از این صور اولیه عالم ابداع با تفکر در ذات خویش یافت که وی مخلوق است و لذا به پرستش مبدع پرداخت. در نتیجه، این صورت خاص برگزیده شد و مبدع اول یا عقل اول نامیده شد و خالق آن مبدع المبدعات بود. این مبدع اول، صور عالم ابداع را به تبعیت از خودش به شناخت مبدع المبدعات و توحید او فراخواند. از لحاظ مطیع بودن این صور سلسله مراتب عقول بعدی تشکیل شد. عقلی که با فراخوان عقل اول پاسخ سریع به او داد، عقل دوم شد و عقولی که دیرتر پاسخ دادند، به مراتب پاسخشان، عقول هشت‌گانه باقی را تشکیل دادند. لذا از عقل اول دو انبعاث صورت گرفت. در انبعاث اولی، عقل دوم پدید آمد و در انبعاث دومی عقول هشت‌گانه پدید آمدند. اولین عقل از عقول هشت‌گانه که عقل سوم نامیده می‌شود همان هیولا و صورت است. اصل عالم نیز جسم است که در شریعت به لوح تعبیری می‌شود. بقیه عقول از عقول هشت‌گانه همان حروف علوی فاعلی‌اند که در شرع به فرشتگان مقرب تعبیر شده‌اند. عقل آخر از عقول هشت‌گانه که عقل عاشر خوانده می‌شود، عقل فعال و واهب‌الصور است. این عقول ده‌گانه حدود علوی هستند. در مقابل این، ممتول آن ده حدود سفلی خوانده می‌شوند و عبارت‌اند از ناطق، اساس، هفت امام و ناطق بالقوه (نفری که در دوره بعد قرار است ناطق شود).<sup>۳۳</sup>

#### معاد شناسی

مباحث معاد در کیش اسماعیلیه یکی از مباحث جنجالی است. آنان از طرف برخی فرق مسلمانان، به دلیل اندیشه‌های خاصی در این باب مورد هجوم واقع شدند و تهمتهایی همچون انکار معاد، قول به تناسخ، الحاد و موارد دیگر به آنها زده شد. با بررسی دقیق اندیشه‌های اسماعیلی - طبیعی در این باب می‌توان نتیجه گرفت که اسماعیلیه در باب معاد شناسی همچون دیگر ابواب تحت تأثیر فلسفه نو افلاطونی و عرفان گنوسی قرار گرفتند و این باعث سوءظن دیگران شده است. البته تأویلات خاص آنها در این باب هم به این موضوع دامن زده است.

طهری

سال هشتم - شماره ۲۰ - زمستان ۱۳۸۸



## معاد روحانی

از نگاه اسماعیلیه - طبییه، معاد روحانی محض است و ثواب و عقاب فقط بر روح و نفس ناطقه بشر وارد می‌شود. نفس پس از رسیدن به بهشت، همه افعال و تعلقاتی را که در دنیا داشته از دست می‌دهد. افعال او در بهشت افعالی است که ذات او با کمال خویش آنها را اقتضا می‌کند. نفس درجهان آخرت افعالی هم‌سنخ افعال دنیوی ندارد، چون آن وقت که در دنیا بود، نفس با بدن تعلق داشته، ولی در آخرت نفس خالص و از جسم رها شده است.<sup>۳۳</sup>

## تناسخ

برخی از مؤلفان همچون غزالی<sup>۳۴</sup> با صراحت تمام اسماعیلیه را متهم به اندیشه تناسخ می‌کنند. شاید این اتهام به برخی از غلات اسماعیلیه روا باشد، ولی این اتهام درباره اسماعیلیه طبییه دور از واقعیت است. بعد از اعتقاد به جزئیات معاد همچون نفخ صور، حساب و مقدمات معاد همچون برزخ، جای هیچ شکی باقی نمی‌گذارد که اسماعیلیه به جای معاد قائل به تناسخ‌اند.

بهره‌ها همانند اسماعیلیان فاطمی برای ظاهر دین و شریعت اهمیت ویژه‌ای قائل هستند. آنان خاطر تاویل‌گرایی به امور باطنی و فقه اکبر توجه خاصی دارند، ولی هیچ وقت در طول تاریخ، ظاهر شریعت را طرد نکردند. بسیار عجیب است که گاهی انکار شریعت و توجه به صرف امور باطنی به طور عموم به کل اسماعیلیه تهمت زده می‌شود و از این باب از جامعه بزرگ اسلامی رانده می‌شود، حال آنکه فقط گروه‌های باطنیه غلات اسماعیلیه و خوجه‌های نزاریه ظاهر شریعت را رها کردند. بهره‌ها در طول قرون در هیچ برهه‌ای از زمان قائل به انکار شریعت نبودند، بلکه تدین بهره‌ها به مذهبشان بسیار زیاد و چشمگیر است.

## ب) اندیشه‌های فقهی

فقه بهره‌ها بر هفت رکن استوار است که آن را دعائم الاسلام می‌نامند: ۱. ولایت ۲. طهارت ۳. نماز ۴. زکات ۵. روزه ۶ حج ۷. جهاد<sup>۳۵</sup>.

آنان این هفت امر را به طور ظاهری جامه عمل می‌پوشانند و به امور باطنی و تأویلی و حقایق آنها هم توجه دارند. به عبارت دیگر، آنان بین ظاهر و باطن جمع کرده‌اند.

قاضی نعمان که برجسته‌ترین فقیه اسماعیلی در دوره معز فاطمی به شمار می‌آید، بنیانگذار علم فقه اسماعیلی بود. کتاب وی به نام *دعائم الاسلام و تاویل الدعائم* برجسته‌ترین اثر فقهی بهره‌ها شناخته می‌شود. بهره‌ها در همه ادوار برای مسائل فقهی به این کتابها مراجعه می‌کردند.

## ۱. ولایت

بر هر اسماعیلی واجب است که معتقد به ولایت امامان منصوص باشد. همچنین باید این ولایت را علاوه بر محبت داشتن به ائمه، در عمل و اطاعت هم نشان دهد. بدون ولایت امامان هیچ عملی پذیرفته نمی شود. امام هر زمان در موسم حج شرکت می کند، چه به صورت علنی و چه سری.<sup>۳۴</sup> صلوات فرستادن بر آل محمد<sup>ﷺ</sup> بعد از محمد<sup>ﷺ</sup> واجب است و عدم فرستادن صلوات بر آل از طرف اهل سنت، نپذیرفتن یک دلیل حتمی و ثابت است.<sup>۳۵</sup> امامت توقیفی است و رسول الله<sup>ﷺ</sup> این امامت را مختص به امام علی، امام حسن، امام حسین، امام سجاده، امام باقر، امام صادق<sup>ﷺ</sup> همچنین امامان دیگر کرده است.<sup>۳۸</sup>

## ۲. طهارت

طهارت یکی از ارکان اسلام نزد اسماعیلیه طیبی است. آنان روایاتی همچون «لا صلاة الا بطهور؛ بدون طهارت نماز واقع نمی شود» را هم نقل می کنند.

طهری

## ۳. نماز

### وقت نماز

وقت ظهر و عصر هنگام زوال است. البته نماز ظهر باید قبل از نماز عصر خوانده شود و نباید عصر را تأخیر انداخت تا خورشید تغییر کند و زرد شود، همچنان که اهل سنت می کنند. نماز ظهر کمتر از دو ساعت بعد از اذان ظهر قضا می شود.

نماز مغرب فوری بعد از غروب قرص خورشید شروع می شود و وقت اختصاصی برای پایان ندارد، بلکه تا قضا شدن نماز عشا وقت دارد. نماز صبح را نیز بعد از طلوع فجر صادق می خوانند.

### اذان و اقامه

فصول اذان نزد بهره‌ها ۲۲ تاست. بعد از شهادتین، دو بار «اشهد ان مولانا علیاً ولی الله» می گویند و مانند شیعیان اثناعشریه بعد از «حیّ علی الفلاح»، دو بار «حیّ علی خیر العمل» دارند. نکته‌ای که در اذان آنان جدید یافت می شود این است که بعد از «حیّ علی خیر العمل» دو بار «محمد و علی خیر البشر و عترتھما خیر العتر» می گویند.

## ۴. زکات

مباحث زکات یکی از محوری‌ترین و پیچیده‌ترین مباحث فقهی بهره‌ها به شمار می آید.

## انواع زکات

بهره‌ها هفت نوع زکات پرداخت می‌کنند:<sup>۳۱</sup> ۱. زکات صلاة<sup>۳۲</sup> ۲. زکات فطره ۳. حق النفس ۴. حق نکاح ۵. سلامی ۶. زکات دعوت که شامل مالیات، خمس و کفاره می‌شود ۷. نذر مقام.

### ۵. روزه ماه مبارک رمضان

ماه مبارک رمضان و روزه‌های آن نزد بهره‌ها اهمیت خاصی دارد. چند روز مانده به ماه مبارک به استقبال آن ماه می‌روند. ماه مبارک رمضان نزد آنها از طریق تقویم خاص نجومی مصری فاطمی ثابت می‌شود. اما مثل دیگر فرق اسلامی به رؤیت هلال اهمیت نمی‌دهند. لذا همیشه یکی دو روز از ماههای قمری جلوترند.

### ۶. حج و زیارت

بهره‌ها به سفرهای معنوی حج و عتبات عالیات اهمیت ویژه‌ای می‌دهند. هر بهره‌ارز در طول عمر خودش حداقل یک بار به عتبات عالیات برود. لذا بهره‌ها همه در مشاهد مشرفه، یافت می‌شوند.

### ۷. جهاد

هر بهره‌ارز موظف است که هنگام دعوت امام یا داعی برای جهاد خالصانه با مال و جان خویش شرکت کند. ولی بهره‌های فعلی هنگام حوادث سخت، از مسلمانان کناره می‌گیرند به این بهانه که ما بهره هستیم نه مسلمان. لذا جامعه بهره همیشه از بقیه مسلمانان جداست.

### تأویل

اسماعیلیه متون دینی را بسیار تأویل می‌کنند و گاهی شهرت آنان به همین تأویلی بودنشان است. ولی بحث این است که آیا تأویل در متون، آنها را از ظاهر منحرف می‌کند یا نه. به عبارت دیگر، اگر متون فقهی را تأویل کنند، از آیا ظاهر هم پیروی می‌کنند یا پیروی ظاهری را دیگر لازم نمی‌دانند؟ در این بحث هم بین مذاهب اسماعیلیه اختلاف نظر وجود دارد. اسماعیلیه نزاریه متون دینی را تأویل می‌کنند و پیروی شریعت ظاهری را لازم نمی‌دانند. ولی اسماعیلیه طیبیه با اینکه متون دینی را بسیار تأویل می‌کنند، ولی هیچ وقت ظاهر دین و شریعت را رها نمی‌کنند، بلکه ظاهر و باطن را مکمل یکدیگر و رابطه بین آنها را رابطه روح و بدن<sup>۳۳</sup> می‌دانند. قاضی نعمان چه خوب فرموده است: «فما كان مذموماً في الظاهر فباطنه مذموم و ما كان ممدوحاً في الظاهر فباطنه ممدوح.»<sup>۳۴</sup>

لذا از دیدگاه اسماعیلیه طبیعی، باطن شریعت که از تأویل و علوم حقایق به دست می‌آید، شریعت واقعی است و دستورهای فقهی و احکام که ظاهر شریعت است برای مهار نفس بر انسان واجب شده است و به تغییر خود آنان فقه ظاهری سیاست برای نفس است این مطلبی است که همه فرق اسلامی پذیرفته‌اند که فقه ظاهری برای کنترل نفس است و به همین سبب در آن قلت و کثرت، قضا و ادا، عفو و جایگزین یافت می‌شود. اما در فقه اکبر که ارتباط با خدا باشد و باطن همه احکام آن هیچ رخصتی نیست. ولی اسماعیلیه بدون اینکه فرقه ای از آنها استثنا شوند، مورد حمله قرار می‌گیرند که تأویلی و باطنی‌اند.

### بخش پنجم: آیینها و شعائر بهره‌ها

بهره‌ها چون فقط یک مذهب دینی صرف نیستند، بلکه قبیله‌ای هندی و نژاد خاصی‌اند، برای خود فرهنگ و آداب و رسوم نیز دارند. بهره‌ها اصلشان به آیین هندو بر می‌گردد. لذا اکنون نیز ریشه های فرهنگ و آداب و رسوم آیین هندو هم، گرچه خیلی کم، در آنها یافت می‌شود. ولی از طرف دیگر تلاش زیادی کرده‌اند که فرهنگ اسلامی فاطمی به سبک هندی پیروی کنند و در این امر تا حدودی موفق نیز شده‌اند.

در این بخش می‌خواهیم آیینهای خاص بهره‌ها و شعائر آنها و نیز برخی آداب و رسوم آنها را بررسی کنیم تا علاوه بر شناخت تاریخ و اندیشه های آنها با آداب و ویژگیهای آنها هم آشنا شویم. این بخش را به دو قسم تقسیم می‌کنیم: الف) آیینها. <sup>۳۳</sup> ب) شعائر. <sup>۳۴</sup>

#### الف) آیینها

مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام در ماه محرم عمده مراسم بهره‌ها در طول سال در ایام ماه محرم است. بهره‌ها خود را برای این ایام در طول سال آماده می‌کنند. بهره‌ها در سراسر دنیا در این ایام مجالس سوگواری برپا می‌کنند که در آن مراسم سخنرانی، سینه زنی و غذا خوردن دسته جمعی است. بهره‌ها عزاداری سید الشهدا را از روز دوم محرم آغاز می‌کنند.

#### میثاق

یکی از آیینهای بهره‌ها میثاق است. میثاق عهده‌ای است که هر بهره‌هنگام بلوغ با داعی مطلق می‌بندد که در آن وعده می‌کند که از اصول و مبانی شیعه اسماعیلی طبیعی پیروی

خواهد کرد. هر بهره هنگام بلوغ به این میثاق می بندد و در هر سال در روز هیجدهم ذی حجه، روز عید غدیر، آن را برای تبرک تکرار می کند.

## ب) شعائر

### تقویم مصری

بهره‌ها مراسم دینی را بر اساس تقویمی خاص اجرا می‌کنند که از فاطمیون به ارث برده‌اند. پیروی کردن از این تقویم بهره‌ها را از جامعه بزرگ اسلامی جدا کرده است، زیرا بر اساس این تقویم یک یا دو روز جلوتر از همه مسلمانان هستند و مناسک حج و مواردی مانند آن را یکی - دو روز جلوتر از دیگر مسلمانان انجام می‌دهند.

تقویم مصری از رؤیت هلال پیروی نمی‌کند، بلکه این تقویم روزهایش مشخص و معین است. ماه‌های تقویم مصری، به تناوب ۳۰ و ۲۹ روزه است. بعد از هر سه سال، ماه ذی حجه سی روزه اعلام می‌شود که آن سال را سال کیسه می‌نامند. لذا ماه محرم همیشه سی روزه است و صفر بیست و نه روزه. به همین ترتیب ماه مبارک رمضان نیز همیشه سی روزه خواهد بود. گفته می‌شود این تقویم توسط خلیفه فاطمی، ابوعلی منصور حاکم، معرفی شده است.

### زبان خاص دعوت (لسان الدعوة)

بهره‌ها برای مراسم دینی، سخنرانیها و برای درس و تدریس از زبانی خاص استفاده می‌کنند که آن را لسان الدعوة (زبان دعوت) می‌نامند. رسم الخط این زبان، عربی است، ولی در واقع همان زبان گجراتی اما مخبوط با واژه‌های عربی است. این زبان در سازمان ملل به رسمیت شناخته شده است. بهره‌ها از کودکی این زبان را در مدارس دینی یاد می‌گیرند. بسیار عجیب است که بهره‌های ساکن غرب نیز این زبان را زنده نگه داشته‌اند.

بهره‌ها به این زبان بسیار تعصب دارند و همه مراسم مذهبی و مکاتبات رسمی دعوت اسماعیلیه به این زبان صورت می‌گیرد. البته خود داعی مطلق هنگام سخنرانی به این زبان از واژه‌های انگلیسی هم استفاده می‌کند.

با اینکه بهره‌ها این زبان را یاد می‌گیرند، ولی به سختی آن را متوجه می‌شوند. به همین سبب، اکثر بهره‌ها از سخنرانیها و مواظظ علما و روحانیون استفاده نمی‌کنند، ولی باز هم تشخیص داعی مطلق رسمیت یافتن همین زبان بین همه بهره‌هاست.

## لباس قومی

در سالهای اخیر داعی مطلق برای بهره‌های مرد و زن لباس خاص اسلامی تعیین کرده که آن را قومی لباس نامیده است. در سال ۱۹۷۰ طی یک کنفرانس داعی مطلق اعلام کرد که بهره‌ها به لباس دینی و قومی روی بیاورند که شاخصه بهره‌ها باشد.

لباسی که برای مردان تعیین شد عبارت بود از پیراهن بلند سفید رنگ، شیروانی (قبای مخصوص) و کلاه مخصوص نقشدار. لباسی که برای زنان به عنوان حجاب تعیین شد عبارت بود از برقع یا ردا. زنان بهره این حجاب را به رنگهای مختلف انتخاب می‌کنند و از رنگ مشکی استفاده نمی‌کنند.

بهره‌ها به این لباس قومی افتخار می‌کنند و بدون هیچ شرم و خجالت در همه جا این لباس را می‌پوشند. این لباس شناخته شده بهره‌هاست. البته برخی افراد گاهی کت و شلوار و کروات نیز دارند؛ ولی کلاه مخصوص را رها نمی‌کنند

## خاتمه

این خلاصه‌ای از تاریخ و عقاید اسماعیلیه طیبیه هند بود که به بهره‌ها شهرت دارند. بعد از سیری گذرا در بخشهای این تحقیق، هر خواننده به این نتیجه می‌رسد که بهره‌ها از زمان گذشته تا به حال چطور و چقدر به دین اسلام و مذهب اسماعیلیه طیبیه پایبند بودند و هستند. بسیار مایه تأسف و تعجب است که جهان اسلام به همه اسماعیلیها نگاهی بدبینانه دارد و به آنان تهمت می‌زند، بدون اینکه فرقه‌ای از اسماعیلیه را استننا کند. به ویژه جهان عرب اطلاعات بسیار ناچیزی درباره این فرقه دارد و برخی از آنها که خصومت خاصی به تشیع دارند، بدون هیچ تحقیق و مطالعه پیوسته در تهمت زدن بیشگام هستند. بهره‌ها همیشه به شریعت، چه به ظاهر و چه به باطن آن، معتقد بوده‌اند و این را در رفتار عملی خود نشان داده‌اند. کسی که در این مطلب شک دارد، کافی است به حرمین شریفین، مکه و مدینه و عتبات عالیات سفر کند و ببیند که بهره‌ها با لباس مخصوص دینی مشغول عبادت خداوند متعال و ادای احترام به انبیا و ائمه و اولیاء هستند. با وجود این حقایق، عجیب است که بهره‌ها نه به کنفرانس اسلامی دعوت می‌شوند و نه در تقریب مذاهب اسلامی نامشان برده می‌شود. بهانه هم این است که جهان اهل سنت به این مذهب شیعه سوء ظن دارد. باز هم عجیب است که در بحثهای تقریب مذاهب اسلامی

بحثی از تقریب مذاهب تشیع پیش نمی‌آید. حال آنکه همان طوری که تقریب بین مذاهب اهل سنت و شیعه ضرورتی انکار ناپذیر است، تقریب بین مذاهب تشیع هم نیازی مبرم است و عملاً به مراتب آسان‌تر است.

این مقاله می‌کوشد اثبات کند که بهره‌ها علاوه بر باطن شریعت و تأویلات متون دینی به ظاهر شریعت و ظاهر متون دینی هم اعتقاد دارند و مثل بقیه مذاهب اسماعیلیه نیستند که ظاهر شریعت را انکار می‌کنند یا به طور کلی تأویل می‌کنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. احمد بن علی قلقشندی، *صبح الاعشى في صناعة الانشاء*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ج ۲، ص ۸۴
۲. النوبختی، ابن موسی، *فرق الشیعة*، تصحیح سیدمحمدصادق آل بحر العلوم، نجف، الطبعة الحیدریه، ۱۹۳۶، ص ۱۰۱.
۳. همان، ص ۱۰۲.
۴. روشن است که این تحلیل شیعی اثنا عشری است و اسماعیلیه دلایل دیگری برای هجرت ذکر کرده‌اند که عمده خوف از عباسیون بود. ر.ک. به: *تاریخ الدعوة الاسماعیلیة*، مصطفی غالب ص ۱۴۸؛ و *تاریخ الاسماعیلیة*، عارف تامر ص ۱۱۸. کلینی راجع به محمد بن اسماعیل خبری عجیب در اصول کافی آورده است که دال بر خصومت محمد نسبت به امام کاظم علیه السلام است. ر.ک. به: *اصول کافی*، ج ۱، ص ۴۸۵، ح ۸.
۵. فرهاد دفتری، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، نشر و پژوهش فرزنان روز، ۱۳۷۸، ص ۱۲ و ۱۲۳ (با تلخیص).
۶. مصطفی غالب سال وفات وی را ۱۹۳ ق ذکر کرده است. مصطفی غالب، *تاریخ الدعوة الاسماعیلیة*، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۹۹۸، ص ۱۴۸.
۷. «قرمطه» به معنای پاکوتاه یا چشم قرمز است.
۸. نوبختی وی را از یکی از فرقه‌های مبارکیه می‌داند که بعداً از آن برگشته و تعداد آنها را در زمان خودش صد هزار تن می‌داند: *فرق الشیعة*، نوبختی، ص ۱۰۵ به بعد.
۹. بین مرگ این دو نفر فاصله است. نعمان ابن محمد، مشهور به قاضی نعمان، *افتتاح الدعوة*، بیروت، دارالاضواء، ۱۹۹۶، ص ۳۴.
۱۰. برای اطلاع بیشتر از درگیریهای ابوعبدالله شیعی رجوع کنید به: عز الدین ابن اثیر، *الکامل فی تاریخ*، بیروت، دارالصادر، ۱۹۶۶، ج ۵، ص ۱۴: *افتتاح الدعوة*، که عمده این کتاب به سیر ابوعبدالله شیعی پرداخته است.
۱۱. اقتباس از: *تشیع در هند*، جان هالیسر، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳، ص ۲۲۸ - ۲۴۰.
۱۲. راجع به احوال طیب روایات مختلف وجود دارد: آیا وی به دستور الحافظ مخفیانه کشته شده یا نه به غیب رفته و امامت در فرزندان و نسل وی ادامه دارد و در آخر زمان از نسل وی کسی به عنوان مهدی قیام خواهد کرد؟
۱۳. قاضی نعمان، *افتتاح الدعوة*، بیروت، دارالاضواء، ۱۹۹۶.
۱۴. *تشیع در هند*، ص ۲۵۷.
۱۵. Ramnath.
۱۶. Rupnath.
۱۷. کاکا به معنای عمو.



۱۸. کاکي به معنای زن عمو.

۱۹. Sidhraj Jai Singh.

۲۰. Bharmal.

۲۱. دانگام توابع ارونگبارد در ایالت مهاراشتراست.

۲۲. مصادر: در این داستان اختلاف شدیدی در اسم افراد، تعداد و ارقام وجود دارد، ولی همه کتب بی‌استثنا آن را ذکر کرده‌اند:

۱. موسم بهار، محمد علی ابن ملا جیوایهای، ج ۳ ص ۳۲۸-۳۴۵.

۲. اخبار الدعاة الاکرمین: حسن علی بدر پیرس والا اسماعیل جی، ص ۵۳-۶۰.

۳. گلزار داوودی، میان بهای ملا عبدالحسین، ص ۳۰ به بعد.

4. Legendary History of the Bohras: Jhaveri. Pg 39

5. The Shia of India: Hollister Pg 300\_304

6. The Bohras: Asghar Ali Engineer. Pg 100\_101

۲۳. برای تکمیل دروس علوم دینی طلاب بهره به یمن فرستاده می شدند.

۲۴. حامدی، ابراهیم بن حسین، کنز الولد، تحقیق مصطفی غالب، بیروت، دارالاندلس، ۲۰۰۰، ص ۱۰.

۲۵. قرشی، عمادالدین ادریس، زهر المعانی، تحقیق مصطفی غالب، بیروت، المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر والتوزیع، ۱۴۱۱، ص ۲۱۲-۲۱۳.

۲۶. «وَهُذِهِ الاسماء الحسنی فادعوه بها» (اعراف: ۱۸۰).

۲۷. زهر المعانی، ص ۱۸۶-۲۷۳: «ان دعوة الرسول كانت الى التنزیل و الشریعة ودعوة الوصى الى التأویل و الحقیقة».

۲۸. قاضی نعمان، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، تهران، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۷۲، ص ۶۲

۲۹. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا» (كهف: آیه ۱۰۷ و ۱۰۸).

۳۰. «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: آیه ۵۹).

۳۱. کنز الولد، ص ۲۸-۲۹.

۳۲. کتاب کنز الولد، باب چهارم، ص ۷۰ به بعد. گرچه مؤلف این باب را از کتاب راحة العقل حمید الدین کرمانی، مشرع دوم از سور چهارم آورده، ولی به خاطر تعارضات موجود در آن کتاب و تصحیح و توجیه ابراهیم بن حسین حامدی، از کتاب کنز الولد آورده شده است.

۳۳. کرمانی، حمیدالدین، راحة العقل، تحقیق مصطفی غالب، بیروت، دارالاندلس، دوم، ۱۹۸۳، ص ۵۴۷ با تلخیص و تصرف (نقل از تاریخ اندیشه های کلامی در اسلام، ج ۲، ص ۳۸۹).

۳۴. غزالی، ابو حامد، فضائح الباطنیة، تحقیق محمدعلی قطب، بیروت، مکتبة العصریة، ۲۰۰۱، ص ۵۰.

۳۵. «فقد روینا عن ابی جعفر محمد بن علی انه قال: بنی الاسلام علی سبع دعائم: ۱. الولاية و هی افضلها و بها و بالولی یوصل الی معرفتها. ۲. الطهارة. ۳. الصلاة. ۴. و الزکات. ۵. و الصوم. ۶. و الحج. ۷. و الجهاد.» کتاب دعائم الاسلام، تصحیح عامر تامر، ص ۳۸.

۳۶. قاضی نعمان، مقدمه دعائم الاسلام، تصحیح عامر تامر، ص ۲۹.
۳۷. دعائم الاسلام، تصحیح عامر تامر، ص ۶۷
۳۸. همان، ص ۱۸.
۳۹. گلزار داوودی، عبد الحسین، ص ۶۸ به بعد.
۴۰. این باید «تذکرات الصلوة» باشد، گرچه در اصل و ترجمه کتاب تشیع در هند، «زکات الصلاة» نوشته شده است. اصل کتاب، ص ۲۸۷؛ ترجمه آن، ص ۳۲۲.
۴۱. المجالس المستنصرية، مجلس اول.
۴۲. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۵۲، ترجمه: آنچه در ظاهر بد است باطنش هم بد خواهد بود و آنچه ظاهرش خوب باشد، باطنش هم خوب خواهد بود.
۴۳. منظور از آیینها تشریفات مذهبی است.
۴۴. منظور از شعائر، آن چیزهایی است که بهره‌ها به آن می‌بالند و شاخصه آنها به حساب می‌آید.

طاهر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی